

مقدمه

نظام تعلیم و تربیت در ایران تا پیش از انقلاب مشروطیت بر پایه سنت و مذهب قرار داشت و جامعه به گونه‌ای سنتی کودکان را برای آینده تربیت می‌کرد. پدر و مادرها به صورت طبیعی از همان آغاز تولد، نخستین و مهم‌ترین آموزگاران فرزندان خود بودند. پسر علوم، فنون و صنعت را از پدر می‌آموخت و دختر رموز و فنون خانه‌داری و تربیت فرزند را از مادر کسب می‌کرد. در این میان مکتب خانه‌ها، در کنار مساجد و جلسات مذهبی یکی از عمده‌ترین محل‌های تعلیم و تربیت کودکان به‌شمار می‌آمدند. از آنجا که هیچ‌گونه تشکیلات دولتی و غیردولتی ناظر بر عملکرد این مکتب‌خانه‌ها نبود، تنوع و میزان مواد درسی آن‌ها بستگی به ذوق و وجدان مکتب‌داران داشت. این شیوه تا دوران قاجار و حتی اواسط دوره پهلوی دوم ادامه داشت. در دوره قاجار با اعزام محصلان ایران به خارج از کشور و رفت‌وآمد خارجی‌ان به ایران نوعی دگرگونی و اصلاح‌طلبی در عقاید مردم و دولتمردان به وجود آمد و موضوع جایگزینی آموزش نوین به جای آموزش سنتی مطرح شد. در این مقاله سعی داریم این موضوع را مورد واکاوی قرار دهیم.

کلیدواژه‌ها: آموزش و پرورش، آموزش دختران، آموزش مکتب‌خانه‌ای، قاجار، پهلوی

آموزش دختران از قاجار تا پهلوی اول

فرشته ذوالجناحی، کتابدار

نظام آموزش در دوران قاجار

در منازل وجود داشت. مکتب‌خانه‌های دوره قاجار را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. مکتب آخوندباجی‌ها

این مکتب‌خانه‌ها توسط معلمی که «ملاباجی» یا «خان‌باجی» و یا «شاه‌باجی» نامیده می‌شد اداره می‌شد. این معلم دانش مختصری در زمینه‌های دینی داشت و وظیفه‌اش آموزش کودکان چهار تا هفت ساله بود.

۲. مکتب‌خانه‌های عمومی

این مکتب‌خانه‌ها در اکثر شهرها و در برخی از روستاها دایر بودند و در حقیقت پس از مکتب‌خانه‌های آخوندباجی‌ها بودند ولی ضرورت نداشت کسانی که وارد مکتب‌خانه‌ها می‌شوند نخست دوره پیش از آن، یعنی مکتب‌خانه‌های

تاریخ نظام آموزش دوران قاجار را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد:

الف: دوره‌ای که نظام آموزشی به‌طور کامل در دست طلاب علوم دینی و معلمان مکتب‌خانه‌ای بود و به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم آنان گرداننده نظام مکتب‌خانه‌ای بودند.

ب: دوره دوم که از میانه‌های دوران قاجار و با آشنایی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غرب شروع شد، دوره‌ای بود که روحانیون و افراد تحصیل کرده در غرب، هر دو گروه، با هم و گاهی نیز در کنار هم نظام آموزشی را هدایت می‌کردند.

در دوره نخست آموزش سنتی به سه شکل مکتب‌خانه‌ای، حوزه‌های علمیه و تدریس خصوصی

آخوندباجی‌ها را گذرانده باشند. تأسیس این مکتب‌خانه‌ها تابع هیچ‌گونه محدودیت یا به اصطلاح قانون و مقررات ویژه‌ای نبود. هر کسی با هر میزان دانشی که داشت می‌توانست مکتبی دایر و مکتب‌داری کند. (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷: ۸۴) رواج تنبیه بدنی و نامناسب بودن مکان آموزشی و ناهمخوانی مواد درسی با مقتضیات سنی شاگردان از ویژگی‌های این مکتب‌خانه‌ها بود. (راوندی، ۱۳۶۹: ۱۲۳) شیوهٔ تدریس خصوصی و استفاده از معلم سرخانه نیز روش دیگر آموزش سنتی بود، اما این روش عمومیت نداشت و تنها منحصر به خانواده‌های اشراف بود. (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۷: ۸۴) بسیاری از دخترانی که در این دوران باسواد می‌شدند به‌طور معمول نزد پدر، برادر، عمو، همسر یا محارم دیگر به کسب علم می‌پرداختند و از نعمت خواندن و نوشتن بهره‌مند می‌شدند، بدین

تنها سه نفر از هر هزار زن در ایران باسواد بودند. (حافظیان، ۱۳۸۰: ۶۲). در دورهٔ دوم، عصر قاجار، عصر آشنایی با فرهنگ و تمدن غربی و شناخت شیوه جدید زیستی بود. از اواسط سلطنت فتحعلی شاه (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ه.ق) به دلیل اعزام محصل به خارج از کشور، رفت‌وآمد مسافران، بازرگانان و مأموران حکومتی به کشورهای اروپایی و نیز پیدایش روزنامه زمینه آشنایی ایرانیان با تمدن و فرهنگ اروپایی فراهم شد. (یغمایی، ۱۳۷۶: ۱۲۷) اما اولین جرقه‌های آموزش جدید و نخستین تغییرات سیستم آموزشی در ایران توسط میسیونرهای آمریکایی و سپس فرانسوی زده شد. آن‌ها به هنگام ورود به کشور به قصد تبلیغ مذهبی سعی در ایجاد مدرسی به سبک اروپایی می‌کردند. (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۰، ج. ۱: ۲۴۰) در زمانی که خروج دختران از خانه به هر دلیلی

در دوره نخست آموزش سنتی به سه شکل مکتب‌خانه‌ای، حوزه‌های علمیه و تدریس خصوصی در منازل وجود داشت

ترتیب زنان باسواد و عالم فقط در خانه خواص امکان پرورش می‌یافتند. (مستوفی، ۱۳۲۱: ۲۲۰) گروهی از اشراف و اعیان نیز که معلمی را برای تعلیم پسرانشان به خانه می‌آوردند، گاه به دخترانشان هم اجازه می‌دادند که از آن معلم‌ها سواد بیاموزند. بدین ترتیب دختران طبقه اعیان و اشراف به شکل خصوصی و دختران اقشار متوسط جامعه هم در مکتب‌خانه‌های عمومی آموزش می‌دیدند، اما دختران اقشار پایین جامعه به دلیل محدودیت‌های عرفی و اقتصادی امکان سوادآموزی نداشتند. مکتب‌خانه‌ها بیشتر به آموزش احکام مذهبی، خواندن قرآن و صرف و نحو عربی، دیوان حافظ، مثنوی مولوی، گلستان سعدی، دیوان سنایی و خلاصه‌الحساب شیخ‌بهایی و از این قبیل می‌پرداختند. (قلی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱) در آن دوران به خاطر بی‌سوادی فراگیر تخمین زده می‌شود که

در نزد عموم مردم غیرقابل قبول بود، طرح مسئله آموزش دختران بسیار غامض می‌نمود، اما بسیاری از روشنفکران با الهام از تجارب عملی غرب و وجود مدارس اروپایی در ایران بر تعلیم دختران و اجباری کردن آن پافشاری نمودند و آن را از عوامل اساسی رشد و ترقی کشور دانستند. (ترابی فارسانی، ۱۳۸۷: ۹۱) نخستین مدرسه دخترانه در سال ۱۲۱۷ ه.ق توسط یک کشیش آمریکایی به نام پرکینز در شهر ارومیه تأسیس شد. این مدرسه در ابتدا مخصوص اقلیت‌های مذهبی بود و هیچ دختر مسلمانی اجازه تحصیل در آن را نداشت، چرا که جامعه آن عصر به هر گونه تحولی با دیدهٔ شک می‌نگریست و تحصیل دختران را جایز نمی‌دانست و به آیات قرآن مجید که خطاب «یا ایها الذین آمنوا» هم مردان را مخاطب قرار می‌دهد و هم زنان را، توجهی نمی‌کرد و کلام مقدس نبوی «طلب العلم و لو بالصین»

و یا «طلب العلم فریضه» را مدنظر قرار نمی‌داد (کسری، ۱۳۸۷: ۵۴)

پركينز اين مدرسه را با چهار دانش آموز نستوری در اروميه تأسيس نمود كه اين تعداد تا سال ۱۲۱۹ ه.ق به ۲۴ دانش آموز رسيد. در اين مدرسه علاوه بر علوم مذهبي، مهارت‌های خانه‌داری و صنايع دستي چون قابيلافي، خياطي، گلدوزي، آهنگري و ... نيز تعليم داده مي‌شد. موفقيت‌های



پركينز در زمينه آموزش دانش آموزان باعث شد كه محمدمشاه قاجار (۱۲۶۴-۱۲۵۰ ه.ق) فرمانی مبني بر حمايت از تأسيس مدارس آمريكايي صادر كند، لذا در سال ۱۲۵۵ ه.ق مجوز فعاليت مدارس جديد كه دارای کلاس‌های دخترانه و پسرانه بود صادر و به تدريج اجازه تأسيس يك باب مدرسه دخترانه در تهران نيز گرفته شد، فقط به شرط آنكه دختران مسلمان در آن راه نداشته باشند. (حسيني، ۱۳۷۰: ۸۲)

در اين دوران با تبادل هيئت‌های سياسي، ضرورت تحول در شيوه آموزش سنتي برای دستيابي به فتون و دانش جديد احساس شد. (ترابي فارسان، ۱۳۸۷: ۱۲۲) با گسترش نهضت ترجمه، زمينه برای طرح ساخت‌های آموزشی و تربيتي جديد فراهم شد. اما در اين دوران كه مرحله‌گذار از آموزش سنتي به آموزش نوين بود به دليل عدم شكل‌گيري نهاد آموزش و پرورش، محدوديت‌های صنعت چاپ و همچنين عدم وجود نظام يکپارچه آموزشی، کتب آموزشی مدارس ابتدایي با همدیگر تفاوت‌هایی داشتند. با

ايجاد مدارس به شيوه نوين در نواحی غربی ايران، زمينه برای آشنایی عملي ايرانيان با نظام آموزش جديد فراهم آمد.

مطبوعات فارسی‌زبان درون‌مرزی دوره قاجار مانند صوراسرافيل، شرافت، كشكول و نيز مطالب مندرج از زنان در روزنامه‌های شكوفه و ايران‌نو، زمينه را برای فهم و ايجاد آگاهی از اهميت مسئله تحصيل به‌ويژه آموزش دختران در اذهان ايجاد كرد. (باغدار، ۱۳۹۴: ۷۳) نوگرایی آموزشی، در دوران اميرکبير و با تأسيس دارالفنون محقق شد. اين مدرسه كه تقليدي از مدرسه نظام در روسيه و مكاني صرفاً مردانه بود، توسط معلمان اروپايي و ايرانيان فرنگ‌ديده آغاز به كار كرد. اين مرحله به‌طور مستقيم نقش ويژه‌ای در روند آموزش نوين دختران ايفا نكرد، بلكه در واقع فضا سازی لازم برای اجرای آموزش‌های جديد و پرورش افراد در جهت تقويت و حمايت از اين گونه آموزش‌ها را در سطح جامعه فراهم نمود. (صديق، ۱۳۳۶: ۳۵۶)

مرحله بعد اين نوگرایی تقريباً نيم‌قرن پس از تأسيس دارالفنون در دوران صدارت امين‌الدوله و توسط ميرزا حسن رشديه انجام پذيرفت. در ۱۲۷۸ ه.ش، **طوبی آزموده** به کمک حسن رشديه «مدرسه ناموس» را در تهران تأسيس كرد كه مورد استقبال مردم قرار گرفت. طوبی آزموده با تلاش بی‌وقفه توانست اين مدرسه را حفظ و در سال‌های بعد گسترش دهد. پس از آن حسن رشديه مدرسه‌ای افتتاح كرد موسوم به «رشديه» كه در آن برخلاف روش‌های مرسوم مدارس سنتي، از برخی وسايل کمک‌آموزشی و روش‌های جديد بهره می‌گرفت. (رشديه، ۱۳۶۲: ۱۴۸) به رغم آنكه رشديه تنها در روش آموزش اصلاحاتی انجام داد نه در نوع و كيفيت مواد درسي، مورد خشم برخی از اقشار اجتماعي قرار گرفت و مانع ادامه کار او شدند، اما از سوی برخی از روحانيان مورد حمايت قرار گرفت كه از جمله اين افراد می‌توان از **شيخ هادی نجم‌آبادی** و **سيد محمد طباطبائي** نام برد. اين مدارس بدون کمک دولتي و با حمايت‌های مالی اشخاص اداره می‌شد. (شيخ الاسلامي، ۱۳۵۱: ۶۵) علاوه بر مخالفت‌های کلی با مدارس به شيوه جديد، تأسيس مدارس دختران، معضل بزرگ‌تری بود كه

مجلس در سال
۱۲۸۹ ه.ش قانون
اداري وزارت معارف
و اوقاف و صنايع
مستظرفه را تصويب
كرد و رسيدگی به امور
تمام مدارس را به اين
وزارت‌خانه سپرد

واکنش‌هایی را از سوی جریان سنت‌گرا برانگیخت. اولین تلاش برای ایجاد مدرسه ملی دخترانه در سال ۱۲۸۲ ه.ش صورت گرفت که با مخالفت‌های شدید مواجه شد. در سال ۱۲۸۵ ه.ش **بی‌بی خانم استرآبادی** (وزیراف) مدرسه دخترانه دوشیزگان را تأسیس کرد که آن نیز با مخالفت شدید مواجه شد به‌طوری که برخی در صدد برآمدن ساختمان مدرسه را ویران کنند. مدتی بعد از به توپ بستن مجلس، تقاضای بی‌بی خانم برای تأسیس مدرسه پذیرفته شد مشروط بر اینکه فقط دختران ۴ تا ۶ سال در مدرسه تحصیل نمایند و کلمهٔ دوشیزه نیز از تابلوی مدرسه حذف شود. پس از آن طوبی آزموده «مدرسه دخترانه پرورش» را تأسیس کرد که در چهارمین روز تشکیل به دلیل مخالفت به تعطیلی کشیده شد. (بامداد، ۱۳۴۷: ۴۱-۳۹)

پس از پیروزی انقلاب مشروطه، در خصوص تأسیس مدارس جدید، در مجلس اختلاف نظر وجود داشت. مشروطه‌خواهان و نمایندگان مجلس اول، در خصوص مدارس جدید به سه دسته تقسیم شدند: دسته اول بر این عقیده بودند که دختران علاوه بر یادگیری خواندن و نوشتن، بایستی مطالبی همچون تربیت اطفال و خانه‌داری و حفظ مراتب ناموس و شرف و بعضی از علوم مقدماتی را که به اخلاق معاش و معاشرت با خانواده مربوط است یاد بگیرند، ولی در امور خاصهٔ رجال، از قبیل علوم پلیتیکی و امور سیاسی، مداخله‌شان اقتضا ندارد. دسته دوم از مشروطه‌خواهان که بیشتر آن‌ها از منورالفکران بودند، معتقد بودند که نه‌تنها نباید برای آموزش دختران محدودیتی قائل شد، بلکه باید تمهیدی اندیشید تا تعلیم آن‌ها اجباری باشد و در شهرها و دهکده‌ها باید مدارس جدید تأسیس شود و مکتب‌خانه‌های قدیم بسته شود. دسته سوم از مشروطه‌خواهان با تأسیس مدارس دخترانه به سبک جدید مخالف بودند و همان مکتب‌خانه‌ها را برای آموزش دختران کافی می‌دانستند. (زنجانی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

سرانجام اولین دستور تعلیمات مدارس ابتدایی و متوسطه تدوین شد و از تصویب گذشت و در سال ۱۲۸۸ ه.ش مدارس عفاف، تربیت، شمس‌المدارس و حجاب در تهران تأسیس شد، ولی همچنان بیشتر دختران و پسران به مکتب‌خانه می‌رفتند. مجلس در سال ۱۲۸۹ ه.ش قانون اداری وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه را تصویب کرد و رسیدگی به امور تمام مدارس را به این وزارت‌خانه

سپرد. (ترابی فارسانی، ۱۳۸۷: ۹۳ و ۹۴) وزارت معارف در سال ۱۲۹۷ ه.ش، آماری از مدارس دخترانه دولتی منتشر کرد که در محله‌های مختلف تهران فعالیت داشتند. اسامی این مدارس به گونه‌ای انتخاب می‌شد که بر اعتماد عمومی تأثیر گذارد. (سالنامه آماری، ۱۲۹۷: ۷۵-۷۳) در همین سال وزارت معارف، اداره تعلیمات نسوان را ایجاد کرد و دو مدرسه ابتدایی دولتی رایگان برای دختران تأسیس و مقرر شد در هر ناحیه یک مدرسه دولتی رایگان افتتاح گردد. تعداد دبستان‌های دخترانه رو به افزایش گذاشت، ولی تا اواخر دورهٔ قاجاریه برای دوره اول متوسطه دختران، تنها مدرسه فرانسوی «ژاندارک» وجود داشت. (ترابی فارسانی، ۱۳۷۸: ۹۵)

منابع

۱. بامداد، بدرالملوک؛ زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۹۴
۲. ترابی فارسانی، سیهلا؛ اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۸
۳. حافظیان، محمدحسین؛ زنان و انقلاب: داستان ناگفته، تهران: اندیشه برتر، ۱۳۸۰
۴. راوندی، مرتضی؛ سیر فرهنگ و تاریخ تعلیم و تربیت در ایران و اروپا، رشت: نشر هدایت، ۱۳۶۹
۵. رشیدی، شمس‌الدین؛ سوانح عمر (مجموعه متون و اسناد تاریخی) کتاب دوازدهم (قاجاریه)، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲
۶. شیخ‌الاسلامی، پری؛ زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران: (نخستین پژوهش دربارهٔ زنان روزنامه‌نگار)، تهران: زرین، ۱۳۵۱
۷. صدیق، عیسی؛ تاریخ فرهنگ ایران، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۶
۸. قاسمی پویا، اقبال؛ مدارس جدید در دورهٔ قاجاریه، بانیان و پیشروان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷
۹. کسری، نیلوفر؛ نظام آموزش دختران در عصر قاجار، قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۷
۱۰. محبوبی اردکانی، حسین؛ تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران (جلد اول)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
۱۱. مستوفی، عبدالله؛ شرح زندگانی من: (تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه) (جلد اول) تهران: زوار، ۱۳۲۱
۱۲. یغمائی، اقبال؛ مدرسه دارالفنون، تهران: انتشارات سرو، ۱۳۷۶
۱۳. باغدار دلگشا، علی؛ بررسی نام‌نگاری زنان در روزنامه صوراسرافیل (با تأکید بر نظریه تحلیل گفتمان)، مجله تاریخ‌پژوهی، شماره ۶۲، سال ۱۳۹۴
۱۴. ترابی فارسانی، سیهلا؛ روند آموزش زنان از آغاز نوگرایی تا پایان عصر رضاشاه، مجله علمی پژوهشی دانشنامه، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷
۱۵. حسینی، رباب؛ مدارس نسوان از آغاز تا ۱۳۱۴، مجله گنجینه اسناد، دوره ۱، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰
۱۶. زنجانی‌زاده، هما؛ باغدار دلگشا، علی؛ سیر شکل‌گیری مدارس زنان در دورهٔ مشروطه (با تأکید بر مطالبات اجتماعی زنان) مجله جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۵، پاییز و زمستان، ۱۳۹۲
۱۷. قلی‌زاده مهدی‌خان محله، سولماز؛ نگاهی به وضعیت آموزش و پرورش دختران و زنان ایرانی در دورهٔ مشروطیت، روزنامه شهروند، سال چهارم، شماره ۹۹۴، سال ۱۳۹۵
۱۸. سالنامه آماری؛ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، ۱۲۹۷.

